نیمه پنهان کشمیر – ۵۰

پس دادن جایزه ادبی به دولت هند در اعتراض به خشونت نظامیان

نویسنده: بشارت پیر
مترجم: بهزاد طاهرپور

درگیری‌ها و مناقشات در کشمیر تحرکات کشمیری‌ها را محدود کرده بود و آنها را وادار کرده بود تا صرفا در مراسمات خاص مانند عقد و عروسی، ملاقات‌های بیمارستانی، تشییع جنازه و... شرکت کنند.

مادر گفت: پدرت نمی‌تواند بیاید بنابراین تو باید حتما بروی.

پدر علی‌رغم حضور گسترده ارتش هند در روستای عمویم به‌طور مرتب به ملاقات او می‌رفت اما پس از حادثه انفجار مین در جاده این ملاقات‌ها را متوقف کرد. والدینم همچنان به‌خاطر آن حادثه با ترس و لرز زندگی می‌کنند.

چند وقت پیش ما در ماشینش بودیم راننده از روی یک پاکت آب میوه که در جاده افتاده بود عبور کرد و صدای بلند ترکیدن آن به هوا بلند شد.

پدرم به کف ماشین افتاد و دست‌هایش را روی سرش گذاشت.

یواشکی گفتم: پدر جان، این یک پاکت آب میوه خالی است .

او سرجایش نشست دست‌هایش را پایین آورد و آرام شد.

پدرم گفت: می‌دانی بعد از آن حادثه مین در جاده... او حق داشت..

به‌خاطر دارم زمانی در خارج از کشمیر بودم، هر موقع تایر «اتوریکشا» یا ماشین می‌ترکید من و دوستانم از جایمان می‌پریدیم. الان هم این‌طور است.

من درماندگی پدرم را یک دفعه دیگر مشاهده کردم و آن زمانی بود که ما خبر فوت خاله‌اش را شنیدیم.

پدر گفت: او همیشه با من در دوران کودکی مهربان بود و بیش از هر آشنای دیگری از من مراقبت می‌کرد. اما من زمانی که او در حال مرگ بود نتوانستم به دیدنش بروم.

مادر و من به مقصد روستای عمویم سوار اتوبوس محلی شدیم.

من از اینکه می‌توانستم قوم و خویش‌هایی که برای سالیان سال ندیده بودم را دوباره ببینم خیلی هیجان زده بودم.

اتوبوس روستایمان را ترک و راه خود را سلانه‌سلانه از میان سربالایی کوه‌ها در پیش گرفت و یک و نیم کیلومتر جلوتر برای تأیید اوراق هویت در یکی از دو اردوگاه نظامی محدوده‌های روستای ما توقف کرد. دو سرباز جوان مسلح که جلیقه‌های ضد گلوله پوشیده بودند از ما خواستند پیاده شده و با قدم زدن یک صد متر از اتوبوس فاصله بگیریم. این بار هیچ‌کس بازرسی بدنی نشد هیچ کیف و ساکی مورد بازرسی بدنی قرار نگرفت ما دوباره سوار اتوبوس شدیم و به راهمان ادامه دادیم.

من از بیهودگی این دستورات و مقررات در بهت و حیرت فرو رفته بودم آنها از نگاه یک سرباز هم به هیچ دردی نمی‌خوردند و فایده‌ای نداشتند مثل یک بازی ویدئویی بود.

سرباز انگشتانش را تکان می‌دهد اتوبوس توقف می‌کند مردم پیاده شده و به صف می‌شوند قدم می‌زنند توقف می‌کنند دوباره سوار می‌شوند و آنجا را ترک می‌کنند. وسیله نقلیه به ایست بازرسی رسید و بازی دوباره تکرار می‌شود و این حال روز مردم در کشمیر است.

این تکرار و تمرین مضحک مرا به یاد داستان کوتاه «بیماری جدید» نویسنده کشمیری اختر محی‌الدین که در سال ۲۰۰۱ درگذشت می‌اندازد.

داماد او در حمله مبارزان به یک بانک در بیمارستان جایی که او در آن کار می‌کرد در اثر آتشباری متقابل بین نیروهای ارتش و مبارزان کشته شد.

محی‌الدین در اعتراض به نظامیان و افراط‌کاری‌های پلیس جایزه «پادماشری» (یکی از مهم‌ترین جوایز دولت هند است که به شخصیت‌های برجسته ادبی و هنری اهدا می‌شود) را به دولت هند پس داد.

محی‌الدین در اعتراض به نظامیان و افراط‌کاری‌های پلیس جایزه «پادماشری» (یکی از مهم‌ترین جوایز دولت هند است که به شخصیت‌های برجسته ادبی و هنری اهدا می‌شود) را به دولت هند پس داد.

سبک نوشته او مثل اسحاق بابل (نویسنده روس ۱۹۴۰-۱۸۹۴ م) بود. اختر با جنگ، قدرت و ترس مأنوس بود و آخرین کتابش را به «مردان جوانی که در جاهای ناشناخته کشته شدند» تقدیم کرده بود.

در کتاب «بیماری جدید» مردی برای ورود به خانه‌اش، گویا در صف باشد، به مدت طولانی منتظر می‌شود. او سپس برگشته و مسیر دیگری را انتخاب می‌کند. خانواده‌اش او را نزد دکتری می‌برند.

دکتر می‌گوید از زمانی که تفتیش بدنی مرسوم گشته بیماری جدیدی شایع شده است به‌طوری‌که برخی از مردم هر زمانی که در و دروازه‌ای را می‌بینند احساس نیاز می‌کنند که باید تفتیش بدنی شوند.

برخی دیگر خودشان را تفتیش بدنی می‌کنند. این پزشک دستگاه تفتیش بدن را برای کسانی که به دری می‌رسند تجویز کرده است. خانواده این تجویز را دنبال کرده تا اینکه شرایط او بهبود پیدا می‌کند.

برگردیم به اتوبوس، یک مرد میانسال با پیراهن آبی که در جلوی من نشسته بود رویش را به طرف من برگرداند و گفت: « فایده این کارها چیست؟ آنها فقط می‌خواهند حضورشان را تثبیت کنند و به ما بگویند این سرزمین را تحت کنترل خودشان دارند.»

اتوبوس به آهستگی به طرف روستای عمویم در حرکت بود.

دیگر خبری از ایست‌های بازرسی نبود اما خاطره هولناک انفجار مین به خودرو والدینم دوباره داشت برمی‌گشت.

ما در همان جاده‌ای که والدینم انفجار مین را تجربه کرده بودند سفر می‌کردیم. می‌توانستم حال و روز مادرم را تصور کنم، ما سکوت اختیار کرده بودیم و از شیشه اتوبوس مناظر اطراف را تماشا می‌کردیم. چند دقیقه بعد ما به همان نقطه انفجار مین رسیدیم. اتوبوس از لوله آبی که روی جاده تعبیه شده بود عبور کرده و به تدریج خانه‌های آجری کشمیری که در کنار جاده بنا شده بودند پدیدار گشتند.

می‌توانستیم روستاییان را ببینیم که به‌طور رخوت‌انگیزی در جلو خانه‌هایشان نشسته و قیافه مسافران خودروهای عبوری را می‌پاییدند.

من مردم را می‌دیدم اما مادر به‌نظر می‌رسید دنبال مردی می‌گشت که دستگاه کنترل از راه دور مین را سه سال پیش در دستش داشت!

او به طرف روستاییان اشاره کرد و گفت: «اونها (مبارزان) با کنترل از راه دور آنجا نشسته بودند».

من لبم را گاز گرفتم.

ما بقیه راه را در سکوت گذراندیم.

از خیابان‌های گلی و خاکی که درختان بی‌برگ گردو آنها را احاطه کرده بودند به روستای «پانزمولا» که عمویم در آن زندگی می‌کند رسیدیم.

سر راه به خانه‌اش ما با قوم خویش‌ها و اقوام که داشتند از ملاقات با عمویم بر می‌گشتند خوش و بش کردیم.

عمویم فردی بلندقامت با چهره‌ای آفتاب‌سوخته بود که روی فرش خانه نشسته و برای زنان و مردانی که به دیدار او آمده بودند خاطرات و داستان‌های مکه را تعریف می‌کرد.

دختران و پسران جوان از مهمانان با قهوه کشمیری پذیرایی می‌کردند.

مهمانان حین مزه مزه کردن قهوه، قصه‌های سرزمین وحی را می‌شنیدند.

اگر پدرم او را بعد از بازگشتش از زیارت مکه ملاقات نکرده بود عمویم به‌طور معمول دلخور و رنجیده خاطر می‌شد.

به‌جایش زمانی که مادرم و من به خانه وارد شدیم او مرا بغل کرد و گفت: چه روزگار و زمانه بدی شده که غلام احمد امروز نمی‌تواند بیاید و مرا ملاقات کند.

جنگ سرد فرهنگی؛ سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر – ۱۲۰

حلقه تصمیم‌گیر درباره نحوه بیان موضوعات کنگره

فرانسیس استونر ساندرس
ترجمه حسین باکند

در سال ۱۹۵۳، لاسکی می‌توانست ادعا کند این مطلب دیگر صحت ندارد. مجله او با عنوان Der Monat اکنون توسط بنیاد فورد حمایت می‌شد که اخیراً به او کمک مالی دیگری به مبلغ ۲۷۵۰۰۰ دلار نمود تا کتاب‌هایی را تحت نظر Der Monat چاپ کند. اما هنوز هاله‌ای از سوءظن در مورد لاسکی وجود داشت که برطرف کردن آن سخت بود. جوسلسون تمام تلاش خود را به کار گرفت و در پایان سال ۱۹۵۳، زمانی که کمک مالی اولیه بنیاد فورد به پایان رسید در مونات (Der Monat) را در جمع مجلات کنگره پذیرفت. به این ترتیب، جوسلسون توانست رابطه لاسکی با کنگره را مشروعیت بخشد. لاسکی به عنوان سردبیر یکی از مجلات کنگره، اکنون رسماً در مرکز دستگاه سیاستگذاری آن قرار گرفته بود.

به عنوان عضوی از «هیئت تحریریه مجلات سه‌گانه» که برای هماهنگ کردن سیاست‌های ویراستاری مجلات Der Monat، Encounter و Preuves تشکیل شد، لاسکی اکنون بخشی از یک تیم کوچک بود که تصمیم می‌گرفت چگونه موضوعات کنگره بیان شوند. این هیئت به طور منظم در پاریس تشکیل جلسه می‌داد و جوسلسون، ناباکف و دو روژمون، در آن شرکت می‌کردند. هیئت تحریریه، عملکرد مجلات را تجزیه و تحلیل نموده و درباره موضوعات مورد بحث در شماره‌های آتی به توافق می‌رسید.

لاسکی به طور مداوم بر تعهد بیشتر به موضوعات آمریکایی تاکید داشت. (یودورا ولتی باید برای نوشتن مقاله‌ای درباره «ادغام نژادها» دعوت می‌شد؛ کسی باید درباره «رونق بزرگ آمریکا» می‌نوشت؛ جیان کارلو منوتی می‌توانست مقاله‌ای با موضوع «فرهنگ عالی و فرهنگ عامه» بنویسد) و همچنین بر افزایش تمرکز بر امور شوروی تاکید می‌نمود. یکی دیگر از سوژه‌های او ژان پل سارتر بود که پیوسته در مجلات کنگره هدف نوعی نفرت بی‌پایه قرار داشت. به گفته لاسکی جدایی سارتر از موریس مرلوپونتی در سال ۱۹۵۵ (پس از اعلام جدایی مرلوپونتی از کمونیسم) باید تحت عنوان «سارتر مرده است» اعلام می‌شد. سارتر به طور مکرر در صفحات Encounter و Preuves به‌عنوان نوکر کمونیسم، فردی بی‌ارزش که نوشته‌های سیاسی و خلاقانه‌اش توهم کمونیستی را تداوم می‌بخشید و فردی که از خشونت لذت می‌برد، مورد انتقاد قرار می‌گرفت. میزان تأثیر لاسکی بر این سه مجله در گزارشی به تاریخ‌آوریل ۱۹۵۶ با عنوان یادداشت‌هایی درباره Encounter، Preuves و Der Monat آشکار می‌شود جایی که او دستاوردهای آنها را خلاصه کرده و برنامه خود را برای آینده آنها بیان می‌کند. او می‌نویسد که این مجلات «به عنوان بخشی از جامعه و بخشی از محیط زندگی مردم تثبیت شده و جایگاه نهادینه خود را پیدا کرده‌اند. آنها به نمادهایی در زندگی فرهنگی دو ملت باستانی تبدیل شده‌اند که مبادلات بین‌المللی (و فراآتلانتیک) آزاد، انسانی و دموکراتیک را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند.»

اما او به سردبیران همکار خود هشدار داد که «در مطالب مربوط به آمریکا اصرار نداشته باشند که ایالات متحده همیشه به طور مثبت نشان داده شود به طوری که همه کلیشه‌های ضدآمریکایی به سرعت از بین بروند.» اگرچه او پذیرفت که برخی «متن‌های ضدآمریکایی» که در مجلات ظاهر شده بودند «مایه تاسف بوده و باید در آینده از آن‌ها اجتناب می‌شد».

لاسکی معتقد بود که کیفیت درک فراآتلانتیکی نباید کاهش یابد. او می‌گفت: «بیایید در مجلات همیشه موضوعات را اجباری نکنیم. (و- ما امروز چه کرده‌ایم تا مردم دیگر ما را بربر نپندارند؟) ما هم- مانند همه- مشکلات بسیار زیادی (از جمله ماتریالیسم (مادیگرایی)، بدبینی، فساد، خشونت) داریم که پیوسته درگیر آن‌ها هستیم. همین مشکلات موجب می‌شوند که تا ابد به فرهنگ آمریکایی آفرین بگوییم و از آن استقبال کنیم. بگذارید نویسندگان اروپایی غر بزنند. بیایید خودمان هم کمی غر بزنیم (شاید مسخره به نظر بیاید، اما یکی از همدلانه‌ترین صداهای ما انسان‌ها، صدای غُرغُر است).

در واقع، لاسکی پذیرفت که منتقدان مجلات کنگره که نسبت به طرفداری جانبدارانه از آمریکا شکایت داشتند، اساساً درست می‌گفتند. به ویژه مجله اینکانتر (Encounter)، که اکنون باید به این اتهام پاسخ می‌داد چرا به یک «اسب تروآ» برای منافع آمریکایی تبدیل شده است. نقطه ابهام‌آمیز پیرامون این مجله این بود که تقریباً هرگز مقالات انتقادی درباره آمریکا نمی‌نوشت. گویی انتقاد از آمریکا خط قرمز مجله بود.»

در اولین سال‌های کار خود مجله اینکانتر، بدون شک تلاش زیادی می‌کرد تا هرگونه ضدیت نسبت به آمریکا و نهادهای آمریکایی را از بین ببرد. ضدیت با آمریکا در اروپا به شکل‌های مختلفی ظاهر شده بود. به گفته فیدلر (Fiedler) ضدیت با آمریکا «یک ضرورت روانی برای بسیاری از اروپایی‌ها بود زیرا این ضدیت به مثابه دستگاهی بود که به ایشان امکان می‌داد به طور همزمان در احساس نفرت (از آمریکا به عنوان «تجسمی اسطوره‌ای از همه چیزهایی که از آن متنفرند») و حس «خودبرتربینی» غرق شوند. ادوارد شیلز ضدیت با آمریکا را راهی برای افزایش رضایتی می‌دانست که روشنفکران بریتانیایی از تأمل در جایگاه ملی خود به دست می‌آوردند.

به عنوان عضوی از «هیئت تحریریه مجلات سه‌گانه» که برای هماهنگ کردن سیاست‌های ویراستاری مجلات Der Monat، Encounter و Preuves تشکیل شد، لاسکی اکنون بخشی از یک تیم کوچک بود که تصمیم می‌گرفت چگونه موضوعات کنگره بیان شوند. این هیئت به طور منظم در پاریس تشکیل جلسه می‌داد و جوسلسون، ناباکف و دو روژمون، در آن شرکت می‌کردند.

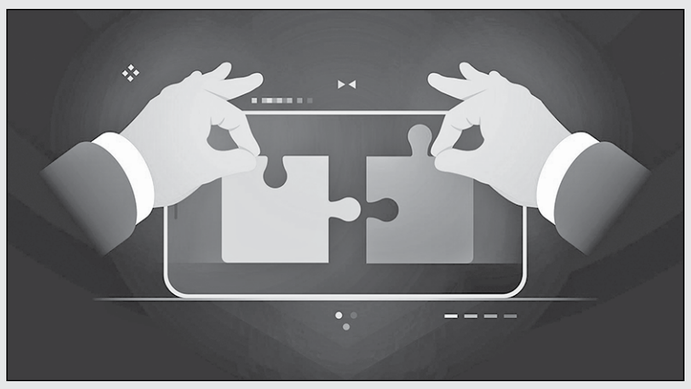

قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

نیازمندی‌های کیهان

مرکز: ۳۳۱۱۰۲۰۲ - ۳۳۱۱۰۲۰۸ - ۳۳۱۱۳۵۱۹ - ۳۳۱۱۲۱۹۳ - ۳۳۹۱۱۵۶۸ - ۳۳۱۱۰۲۱۰ - ۳۳۱۱۲۲۹۱ - ۳۳۱۱۹۲۳۶ - ۳۳۱۱۳۰۸۵ - ۳۳۱۱۸۰۵۰ - ۳۳۱۱۲۱۹۵ - ۳۳۹۴۲۰۰۰

جنوب: سعدی ۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳ - شرق استان تهران ۳۶۲۵۷۰۷۴ - اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳ - چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال: قلهک ۲۲۶۰۳۶۳۵ - شمیران ۲۲۷۱۲۹۷۶ - مطهری ۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲ - شهرآرا ۶۶۵۹۲۲۶۶ - ۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱

استخدام
موسسه ای از افرادی با شرایط زیر برای بخش های کارگری و کارمندی خود دعوت به همکاری می نماید .
● امور مالی : ۳ نفر فارغ التحصیل کارشناسی حسابداری
● امور اداری : ۲ نفر آشنا به تایپ فارسی
● واحد فنی : ۲ نفر مرد ـ با تحصیلات دیپلم
● واحد خدمات : ۲ نفر مرد ـ با تحصیلات حدود دیپلم
متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۳۳۱۱۸۳۳۳ — ۰۲۱ تماس حاصل نمایند .

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک
باغچه ۲۲۰متر دور دیوار آب، برق، گاز(آمل) بی واسطه ۰۹۱۲۹۲۵۶۵۶۰
خانه باغ ۵۵۰ متر زمین ۱۳۰ بنا سند تک‌برگ (آمل) پول لازم ۰۹۱۱۱۲۵۲۸۱۹
فروش یکجا شهرک ویلایی گیلان زیبا کنار- ۱۱ویلا با تمام امکانات ۰۹۱۲۸۱۰۹۷۴۷

املاک انتظار شمال
فرصت تکرار نشدنی برای خرید ویلا و زمین در شمال منطقه نور و چمستان به هر قیمتی با بودجه شما همین حالا با ما تماس بگیرید ۰۹۳۸۳۵۱۶۵۰۰
املاک افق خرید- فروش- رهن- اجاره زمین، ویلا، آپارتمان در رودهن و حومه ۰۹۱۲۱۷۲۹۴۸۵ و ۷۶۵۰۹۹۸۱
مهرشهر کرج روبروی کاخ ۱۲۵متر ۳ خوابه - فول امکانات فروشی ۰۹۳۰۱۵۸۷۸۲۵

بنایی و خدمات ساختمانی
تهویه مطبوع احمدی ساخت و نصب انواع کانال‌های گالوانیزه داکت- اسپیلت- هواساز ۰۹۱۲۵۳۴۶۶۹۴
مجله زن روز روزهای شنبه هر هفته منتشر می‌گردد

خرید و فروش انواع خودرو
«خریدار نقدی فرسوده» انواع خودرو و تمام مدل‌ها حتی مدارک ناقص و موتور سوخته ۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲ ۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷
حمل و نقل
متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا ۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

آگهی‌های مفقودی
اصل سند مالکیت (برگ سبز) خودرو سواری جک S3-AT مدل ۱۴۰۱ به شماره انتظامی ۳۱ی۸۳۸ ایران ۴۰ و شماره شاسی NAKSG۷۴۲NB۱۲۹۵۸۵ و شماره موتور HFC۴GB۳۳DN۰۰۰۲۵۶۶ به رنگ سفید روغنی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.
برگ سبز موتور سیکلت وگو ۱۱۰Cc مدل ۹۵ شماره انتظامی ۸۳۲۹۲ - ایران ۱۳۹ به شماره موتور AG۴LF۱۱۰۱۹۷۵۷ و شماره شاسی ۱۱۰W۹۵۱۱۱۶۰ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. (بروجرد)
برگ سبز _سند مالکیت وگو _ هاچ بک سیستم: پراید تیپ: دی ام هاچ بک مدل: ۱۳۷۶ رنگ: سفید _ روغنی شماره موتور: ۰۰۰۲۸۳۸۰ شماره شاسی: S۱۴۴۲۲۷۶۱۳۲۴۴۱ شماره پلاک ۴۹۸ ص ۶۵ ایران ۵۹ بنام اسمعیل علی مردانی با کد ملی ۴۸۷۹۸۶۸۳۸۸ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. (گرگان)
برگ سبز _سند ماشین کامیونت _ یخچالدار سیستم: زامیاد تیپ: NIB مدل: ۱۳۹۸ رنگ: آبی شماره موتور: Z۲۴۷۹۶۷۹۷Z شماره شاسی: NAZPL۱۴۰BK۰۵۳۲۸۰۴ شماره پلاک ۶۸۶ س ۵۴ ایران ۵۹ بنام حسینعلی کریمیان با کد ملی ۲۱۱۰۳۳۵۳۳۵ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.(گرگان)
برگ سبز خودرو سواری پیکان تیپ آ۱۶۰۰ به رنگ سفید- روغنی مدل ۱۳۸۳ به شماره موتور ۱۱۲۸۳۰۶۶۷۷۰ و شماره شاسی ۸۳۴۴۲۸۶۳ به شماره پلاک ۵۳۹ج۸۸ایران ۴۷ به نام آقای براتعلی رحمانی به کد ملی ۴۸۴۹۷۷۰۱۶۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است .(اراک)
آگهی فقدان مدرک تحصیلی نوبت سوم
مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب زینب اسکندری فرزند عباس به شماره شناسنامه ۱۷۵۴۵۷۴۹۵۵ صادره از اهواز در مقطع کاردانی پیوسته رشته حسابداری صادره از واحد درمشهر با شماره سریال ۴۹۹۱۰۱۴ شماره دبیرخانه ۱۵۰۲۳۱۰۰۰۴۲ ف/ مورخه ۱۴۰۳/۰۲/۰۴ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد دشت به نشانی: استان ایلام، شهرستان درهشهر، انتهای ۲۴ متری جهاد ارسال نماید.
آگهی فقدان مدرک تحصیلی نوبت سوم
گواهینامه موقت پایان تحصیلات اینجانب نسرین یوسفی اوروند فرزند مهدیقلی به شماره شناسنامه ۵۷۹ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی پیوسته مدیریت دولتی صادره از واحد دانشگاهی شوشتر با شماره ۹۵/۳۴۶۰ مورخ ۹۵/۰۹/۰۷ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر به نشانی: خوزستان- شهرستان شوشتر- بلوار دانشگاه- دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر و کدپستی ۶۴۵۱۷۴۱۱۱۷ ارسال نماید.
آگهی فقدان مدرک تحصیلی نوبت دوم
مدرک گواهینامه موقت پایان تحصیلات اینجانب سارا لشکری فرزند حسن به شماره شناسنامه ۷۰ صادره از بهبهان در مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته رشته ریاضی- آنالیز صادره از واحد دانشگاهی اهواز با شماره ۱۲/۹۸۴۷۹۷ مورخ ۹۸/۱۰/۱۶ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی: اهواز، فلکه کارگر(فرهنگ شهر)، خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.
اینجانب فروزان دری مالک سواری پژو پارس TU۵ به شماره انتظامی ۴۳۹۵۵۱ ایران ۹۳ موتور ۱۳۴B۰۰۰۶۴۰۶ شاسی NAAN۵۱FE۴JH۶۴۴۸۶۹ به علت مفقودی سند کمپانی و برگ سبز و کارت مشخصات تقاضای رونوشت المثنی نموده ام چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودرو مذکور دارد ظرف مدت ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید . بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط اقدام خواهد شد . ضمنا مدارک مفقود شده، فاقد اعتبار است. مدت اعتبار این آگهی یکسال است . (شیراز)

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران سال ۱۴۰۴

متقاضیان محترم می‌توانند با توجه به جدول زیر نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به شماره کارت **۶۱۰۴۳۳۸۹۸۷۹۴۸۷۷۱** بانک ملت به نام چاپ و انتشارات کیهان و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به صندوق پستی **۱۱۳۶۵/۳۶۳۱** با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماهه (ریال)	سه ماهه (ریال)
روزنامه کیهان	۴۵/۰۰۰/۰۰۰	۲۲/۵۰۰/۰۰۰	۱۱/۲۵۰/۰۰۰
روزنامه کیهان انگلیسی	۱۶۵/۰۰۰/۰۰۰	۸۲/۵۰۰/۰۰۰	۴۱/۲۵۰/۰۰۰
روزنامه کیهان عربی	۱۶۵/۰۰۰/۰۰۰	۸۲/۵۰۰/۰۰۰	۴۱/۲۵۰/۰۰۰
مجله کیهان ورزشی	۲۸/۶۰۰/۰۰۰	۱۴/۳۰۰/۰۰۰	۷/۱۵۰/۰۰۰
مجله زن روز	۲۸/۶۰۰/۰۰۰	۱۴/۳۰۰/۰۰۰	۷/۱۵۰/۰۰۰
مجله کیهان بچه‌ها	۱۴/۳۰۰/۰۰۰	۷/۱۵۰/۰۰۰	۳/۵۷۵/۰۰۰
مجله کیهان فرهنگی	۲/۲۰۰/۰۰۰	———	———

توجه
۱- اشتراک عزیزانی که فرم درخواست آنها تا دهم هر ماه به امور مشترکین برسد از اول ماه بعد برقرار می‌شود.
۲- یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتما نزد خود نگهداری نمائید.
۳- در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی، معادل مبلغ پرداخت‌شده، نشریه مورد تقاضا ارسال می‌گردد.
۴- در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه، برای هر کدام فیش بانکی جداگانه تهیه فرمائید.
۵- قبض پرداختی را می‌توانید به شماره **۰۹۱۲۷۹۳۲۵۶۸** با ذکر مشخصات در کانال تلگرام و یا ایتا قرار داده و به امور مشترکین اطلاع دهید.

فرم تقاضا
نام: ..... نام خانوادگی: ..... نوع نشریه: ..... تعداد نسخه..... مدت..... ماه
مبلغ پرداختی: ..... ریال شماره فیش بانکی: ..... تلفن: ..... تلفن همراه: .....
آدرس:.....
کد پستی: ..... پست الکترونیکی: .....
شماره اشتراک: .....

تلفن: ۳۵۲۰۲۲۷۸-۰۲۱ نمابر: ۳۳۹۱۰۹۲۲-۰۲۱ امور مشترکین موسسه کیهان

ویژه‌نامه تخصصی خودرو با مطالبی متنوع و کادری ورزیده با آخرین اخبار روز بهترین مکان جهت درج آگهی‌های شما

با حضور در نیازمندی‌های روزنامه کیهان دامنه کار خود را گسترش دهید